جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱٤۰۳، دوره۷، شماره۳، صص٤۹۷-٤۷۳

ارزیابی میزان موفقیت مشارکت اجتماعی در شهرهای جدید با استفاده از مدل AHP و GIS (مطالعه موردی؛ شهر جدید رامشار)

مجید گودرزی[1*]، علی اشکبوس[2]، علی ویسی نژاد

۱-دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

m.goodarzi@scu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زابل، زابل، ایران

تاریخ دریافت:۱٤۰۳/۰۹/۲٦ تاریخ پذیرش:۱٤۰۳/۱۱/۰٤

چکیده

امروزه نقش شهروندان در مشارکت امور شهری بر کسی پوشیده نیست، شهروندان به‌عنوان کسانی که در شهر زندگی می‌کنند حق مشارکت در امور شهر را دارند؛ تا شهری پویا و پایدار داشته باشند؛ زیرا مردم بهتر از هر مدیر و کارشناسی از مشکلات شهر و محله خود باخبر هستند و می‌توانند نقش مهمی در ایجاد و توسعه یک شهر پایدار داشته باشند. در این مقاله سعی داریم به میزان موفقیت شهر جدید رامشار از مشارکت اجتماعی با استفاده از روش AHP و GIS بپردازیم. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و ازنظر نوع، توصیفی تحلیلی می‌باشد. داده‌های این تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه به‌دست‌آمده است که نحوه پاسخگویی به سؤالات به‌صورت مستقیم و رودررو بوده است. جامعه آماری ۳۲٤۵ نفر جمعیت شهر رامشار بوده که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳٤٤ بدست آمد است. از داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS میانگین گرفته شد سپس با مدل تحلیل سلسله مراتبی(AHP) محاسبات آماری معیارها و زیر معیارها و در آخر وزن نهایی گزینه‌ها برای تصمیم‌گیری بهتر به دست آمد. درنهایت توزیع فضایی مشارکت اجتماعی در سطح نواحی با استفاده از نرم‌افزار GIS 10 بر روی نقشه نشان داده شد. از تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که در شهر رامشار، ناحیه دو از میزان مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار است و این امر گویای توجه بیشتر به نظر مردم در فرآیند امور اجتماعی و اداری خود در سطح جامعه می‌باشد و در کل این واقعیت را بیان می‌دارد که مشارکت اجتماعی می‌تواند در پیشبرد اهداف طرح‌های توسعه شهری و رضایتمندی شهروندان از محیط زندگی خود مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مدل AHP، سیستم اطلاعات جغرافیایی، شهر جدید رامشار.

doi: 10.22034/GAHR.2024.494310.2333 شاپا الکترونیکی:645-3851

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و شهرگرایی به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، اداره شهرها را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و فرهنگی در شهرها، بر پیچیدگی موضوع افزوده است به همین سبب و با توجه به شرایط فوق در شهرهای جهان‌سومی و به‌طور خاص در کلان‌شهرها مشکلات عمده‌ای چون مهاجرت روستائیان به شهر، ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، آب و فاضلاب، کمبود سرانه‌ها و بسیاری از فاکتورهای دیگر، بر معضلات اداره شهرها افزوده است. شیوه‌های مناسب مدیریت شهری می‌تواند ضمن اداره شهرها به‌تدریج از حجم مشکلات کم نموده و شرایط بهتری را برای یک زندگی شهری فراهم نمایند. یکی از مباحث مهم در شهر، دستیابی همه ساکنین به خدمات و تسهیلات عمومی شهری در سطح شهر می‌باشد. افزایش جمعیت در شهرهای ازیک‌طرف و نارسایی مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان از سوی دیگر، کاهش عدالت شهری را در پی داشته است (حسینی، ۱۳۹۹: ۲).

مشارکت به معنی بکار گرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی،۱۳۸۲: ۱۲). مفهوم مشارکت در معنای ساده، آن، فراهم کردن شرایطی است که مردم یک جامعه در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی داشته باشند مشارکت فعال شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری همان چیزی است که به حاکمیت مردم منجر و یک سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود که ماهیت دموکراتیک یک سیستم را تضمین می‌کند. مشارکت اجتماعی فرایندی سازمان‌یافته است که در آن افراد با کنش‌های مختلف به‌صورت، جمعی، آگاهانه و داوطلبانه نقش مؤثری در شکوفایی جامعهٔ خود ایفا می‌کنند حضور مردم در جامعه محلی نشان‌دهنده کیفیت فضاهای عمومی شهری نیز هست مشروط بر اینکه این فضاها برای افراد جامعه جاذب باشند مشارکت اجتماعی می‌تواند زمینه لازم برای افزایش اثربخشی پروژه‌ها، سیاست‌ها و مدیریت عمومی را نیز فراهم کند، به‌گونه‌ای که این روند عدم تمرکز، قدرت، تقسیم مسئولیت‌ها و ایجاد بسترهایی برای گفتگو، شفافیت و دسترسی به اطلاعات را شامل گردد (عزیزی و پیرکار، ۱٤۰۲: ۹۲).

در سال‌های اخیر کاربرد این مفهوم در نزد برنامه ریزان و مدیران شهری ارزش و اعتبار زیادی یافته است و همگان به مزایای این امر مهم پی بردند تا جایی که پیشرفت در امور شهری بدون در نظر گرفتن مشارکت اجتماعی امری امکان‌ناپذیر است. با پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ای که بشر در سال‌های اخیر به دست آورده است در تمام جوامع مفهوم مشارکت اجتماعی به‌طور کم‌وبیش در برنامه‌ریزی‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که در آن یک اجتماع، جماعت یا گروه باهم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا موردنیاز را به اجرا درآورند (دری، ۱۳٦۹: ۳۵).

مشارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹٦۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به‌عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی‌شده است؛ لذا ازآن‌پس در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی،۱۳۸۳:۱۱۹). طرح‌های

توسعه شهری به نحو بارزی پیوند همه‌سویه با زندگی شهرنشینان دارند و مشورت با شهروندان در تهیه و اجرای این طرح‌ها امری ضروری است.

امروزه نقش شهروندان در مشارکت امور شهری بر کسی پوشیده نیست، شهروندان به‌عنوان کسانی که در شهر زندگی می‌کنند حق مشارکت در امور شهر را دارند؛ تا شهری پویا و پایدار داشته باشند؛ زیرا مردم بهتر از هر مدیر و کارشناسی از مشکلات شهر و محله خود باخبر هستند و می‌توانند نقش مهمی در ایجاد و توسعه یک شهر پایدار داشته باشند. توسعه پایدار با مشارکت مردمی همراه بوده و مبتنی بر کاهش فقر است. مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چندصدایی بودن در حوزه عمومی جامعه است و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آن‌ها مؤثر است تأثیرگذار باشند. با مشارکت شهروندان زمینه‌های رشد، توانایی افراد جامعه و بروز خلاقیت‌ها فراهم شود و منجر به احساس تعلق گفتگوهای آزاد و گسترده می‌شود و درنتیجه می‌تواند در امر توسعه پایدار شهری بسیار مؤثر باشد (جمالی حاجی حسن سفلی و نعمت اللهی بناب، ۱٤۰۰: ۹۹).

توجه به اهداف و سیاست‌گذاری‌های کلان بخشی برای ایجاد شهرهای جدید و عدم توجه به مسائل اجتماعی–اقتصادی و فرهنگی آن‌ها به‌خصوص در زمینه مشارکت مردم در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها و همچنین سلسله‌مراتب مناسبات مدیریت شهری باعث گردید که آن روابط پایدار و منسجم در سلسله‌مراتب ساخت اجتماعی و سیاسی به شکل سطحی و غیرمشارکتی در شهرهای جدید ظهور کرده و افراد و طبقات اجتماعی جدید به دلیل چندگانگی ساختار اجتماعی– اقتصادی و فرهنگی و عدم وجود ارتباط آگاهانه، مستمر و مشارکت جویانه مردمی با نظام مدیریت شهری، خواه‌ناخواه به‌جای مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی و بالطبع تسهیل فرایند توسعه عموماً منتظرند خود دولت و دستگاه‌های اجرایی متولی که به وجود آورنده اصلی این نوع ساخت شهری هستند به‌عنوان مسئول و مجری طرح، در کل مراحل حیات اجتماعی– اقتصادی شهر، توسعه شهری را ایجاد کنند(اقبال و خدادادی، ۱۳۹۹: ۱).

در کشور ما گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی موجب پایه گذاری صنایع سنگین و نیمه سنگین در مناطق شهری بزرگ و دگرگونی ساختار اقتصادی – اجتماعی این شهرها شده است. از این رو ایجاد شهرهای جدید به عنوان جاذب بخشی از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و کاهش مشکلات زیست محیطی مادرشهرها، اندیشه و اجراشد (ارشدی، ۱۳۷٦: ۸). در همین راستا شهر جدید رامشار نیز در کنار شهر زابل احداث گردید تا این شهر را از مشکلات فوق و برخی مشکلات خاص و ویژه رها سازد. اما بعد از گذشت ربع قرن (۲۳ سال) از آغاز طرح این شهر، فرصت مناسبی برای ارزیابی عملکرد این شهر فراهم شده است.

لذا در این پژوهش تحت عنوان ارزیابی میزان موفقیت مشارکت اجتماعی در شهر جدید رامشار با استفاده از مدل AHP و GIS سعی می‌شود تا با تکیه‌بر نظریات مطرح جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، علل اصلی موفقیت یا عدم موفقیت وجود مدیریت مشارکتی در عرصه‌های مختلف در مدیریت شهری شهر جدید رامشار مشخص شود و با تجزیه‌وتحلیل چالش‌های اصلی عدم وجود مشارکت مردمی، از طریق ارائه راهکارها و پیشنهادها از مشارکت مردمی در مدیریت شهرهای جدید الگوی خاصی ارائه گردد.

سؤال‌های پژوهش

در راستای دستیابی به اهداف پژوهش، سؤالات ذیل مطرح است:

عوامل مؤثر در میزان موفقیت مشارکت اجتماعی در شهر رامشار کدام‌اند؟

آیا مشارکت اجتماعی در نواحی شهر جدید رامشار به‌صورت موفقیت‌آمیز وجود دارد؟

میزان موفقیت مشارکت اجتماعی در کدام ناحیه از شهر جدید رامشار بیشتر است؟

پیشینه پژوهش

شناخت هر پدیده‌ای مستلزم آگاهی از مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی آن پدیده می‌باشد. لذا در این قسمت از پژوهش به بررسی مختصری از جدیدترین پژوهش‌ها و مبانی نظری در ارتباط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

مرادپور و همکاران (۱٤۰۳) به بررسی نقش مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان در توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی پرداختند. بر اساس یافته های تحقیق بین مشارکت رسمی شهروندان در حوزه اجتماعی و توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد. بین مشارکت رسمی شهروندان در حوزه فرهنگی و توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی همبستگی متوسطی وجود دارد.

زارع و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگلج تهران) پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین حس تعلق و مدت اقامت در محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد. همچنین؛ شاخص‌های "حس تعلق به محله، اعتماد بین ساکنین محله، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله و رضایت از محله"؛ به ترتیب با ارزش عددی ۰/۲۱۲، ۰/۷۷۱، ۰/۳۳۸ و ۰/۱٤۳ دارای ارتباط مستقیم و نیز شاخص‌های "شرکت در فعالیت جمعی، توجه به منافع ساکنین محله، همگرایی اجتماعی ساکنان و مشارکت ساکنان"؛ به ترتیب با ارزش عددی ۰/۱۷۱، ۰/۲۳٤، ۰/۱۸۵ و ۰/۰۲۷ دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله هستند.

اقبال و خدادادی (۱۳۹۹) در مقاله خود به تحلیلی بر نقش مشارکت مردمی در مدیریت شهری شهرهای جدید نمونه موردی: شهر جدید اندیشه پرداختند. در این پژوهش سعی شده است تا با تکیه بر نظریات مطرح جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، علل اصلی عدم وجود مدیریت مشارکتی در عرصه های اجتماعی- اقتصادی در ساخت مدیریت شهری شهرهای جدید مشخص و تدوین شده و با تجزیه و تحلیل موانع اصلی عدم وجود مشارکت مردمی، از طریق ارائه راهکارها و پیشنهادات مشخص فرم و ساخت قابل قبولی از مشارکت مردمی در مدیریت شهرهای جدید ارائه گردد.

همدانی و رستمی (۱۳۹۹) در تحقیق خود به نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری مطالعه موردی: شهر رباط‌کریم پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ضریب همبستگی مشارکت اجتماعی و مدیریت بحران با ضریب ۰/۷۸۳ معنادار می‌باشد و با استفاده از آزمون رگرسیون خطی نقش مشارکت اجتماعی با ۰/۷٦٥ درصد در بهبود عملکرد مدیریت بحران مثبت ارزیابی‌شده است. درواقع می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل (مشارکت اجتماعی) به میزان ضریب نوشته‌شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد؛ بنابراین در نظام مدیریت بحران شهر رباط‌کریم، اساسی‌ترین مؤلفه، افزایش مشارکت اجتماعی است.

عزیزی و پیرکار (۱٤۰۲) به نقش فضاهای عمومی درون محله‌ای در ارتقای مشارکت اجتماعی مطالعهٔ موردی: محلهٔ کوی نصر تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی بیشترین همبستگی را با متغیر تنوع در خدمات موجود در فضاهای عمومی دارد. بین متغیر حس تعلق و متغیر حضور فعال در فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی نیز همبستگی زیادی وجود دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند سهم علمی قابل‌توجهی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای باهدف ایجاد بستر مناسب برای تأمین خواسته‌های عمومی ساکنان به‌منظور ارتقای مشارکت اجتماعی داشته باشد.

شاطریان و حیدری سورشجانی (۱۳۹٦) در پژوهش خود به بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان(مطالعه موردی: شهر برزک) پرداختند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر میزان تمایل به مشارکت با متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق مکانی و رضایتمندی از خدمات شهری ارتباط معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون رگرسیون هم حاکی از آن است که در بین متغیرهای یادشده متغیر تعلق مکانی با وزن رگرسیونی ۰/٤۰ بیشترین اثر را در متغیر مشارکت اجتماعی تبیین می‌نماید.

یین۱ و همکاران (۲۰۲٤) در پژوهش خود به "شهر ارواح" یا شهر قابل سکونت؟ تولید و دگرگونی فضا در شهرهای جدید چین پرداختند. این تحقیق درک ما را از شهرهای جدید و تولید فضا با پیوند ساخت و ساز شهری دولت محور و سرمایه محور با شیوه های زندگی ساکنان عمیق تر می کند. علاوه بر این، این مطالعه تجربی چینی به دانش و درک در زمینه‌های مختلف شهری جهانی کمک می‌کند.

کاتو و تاکیزاوا۲ (۲۰۲٤) در تحقیق خود به تحول شهری و کاهش جمعیت در شهرهای جدید قدیمی در منطقه شهری اوزاکا پرداختند. در نتیجه، کاهش جمعیت با تبدیل شهری خانه‌ها به امکانات مراقبت‌های بهداشتی در شهرک‌های قدیمی در ژاپن مرتبط است. این بدان معناست که مدل واحد همسایگی که بر کودکان تمرکز دارد، به مدلی که بر بزرگسالان مسن‌تر تمرکز دارد تغییر کرده است. با این حال، شهرهای جدید کمتری وجود داشته است که از مسکن به امکانات مراقبت‌های بهداشتی تبدیل شده‌اند تا

1 . Yin

2. Kato & Takizawa

تغییر به سایر کاربری‌ها. بنابراین، برنامه‌ریزان شهری باید سیاست‌هایی را برای تشویق ساخت تأسیسات مراقبت‌های بهداشتی و کاربری مختلط در شهرهای جدید قدیمی اعمال کنند.

ژانگ۳ و همکاران (۲۰۲٤) در تحقیق خود به بررسی پویایی های غیر خطی نشاط شهری در شهرهای جدید در حال ظهور: مطالعه موردی منطقه شهری ووهان پرداختند. در این تحقیق مقایسه مدل بین شهرهای جدید (NT) و مادر شهرهای مرکزی (NT) نتیجه می‌گیرد که افزایش تراکم نقطه مورد نظر برای برآورده کردن نیازهای اساسی شهروندان یک پیش نیاز برای تقویت سرزندگی شهری است. برای ایجاد موفقیت آمیز زندگی شهری حیاتی و پر جنب و جوش مانند آنچه در MC وجود دارد، NT باید بر روی تأثیرات تراکم و توسعه حمل و نقل محور (TOD) و عوامل سیاست مانند جابجایی دولت بر سرزندگی تمرکز کند. در نهایت، برگرفته از این یافته‌ها، ما برخی از بینش‌های سیاستی و استراتژی‌های عملی را برای دست اندرکاران و سیاست‌گذاران شهری برای افزایش سرزندگی و پایداری شهرهای جدید پیشنهاد می‌کنیم.

بولنباخ و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیق خود به مشارکت اجتماعی در شهر: بررسی اثر تعدیل‌کننده پیاده‌روی بر ارتباط بین تحرک فعال، ادراکات محله و فعالیت‌های اجتماعی در بزرگ‌سالان شهری پرداختند. این مطالعه به بررسی اثر تعدیل‌کننده محله‌های با پیاده‌روی کم نسبت به محله‌های با پیاده‌روی زیاد بر روی ارتباط بین تحرک فعال و مشارکت اجتماعی می‌پردازد و ادراک ذهنی افراد را از محیط محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند یکپارچه می‌کند. نتایج این تحقیق مشارکت اجتماعی، تحرک فعال و ادراک ذهنی محله در محله‌های با پیاده‌روی کم نسبت به محله‌های زیاد تفاوتی نداشت. تحرک فعال و ادراک ذهنی محله به‌طور قابل‌توجهی با مشارکت اجتماعی در محله‌های با پیاده‌روی کم در مقایسه با محله‌های زیاد قوی‌تر بود.

زمانی و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیق خود به توسعه مشارکت در شهر پاسخگو با رویکرد خودسازمان‌دهی (مورد شهر تهران) پرداختند. برای محاسبات و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده شد. ارزیابی کلی مدل نشان داد که متغیرها در یک شهر پاسخگو مانند داده‌های باز، پلتفرم‌های آنلاین و آزمایشگاه‌های زنده تنها در صورت وجود خودسازمان‌دهی بر مشارکت شهروندان تأثیر دارند. بر اساس نتایج، تنها متغیر تعامل مستقیم بر مشارکت شهروندان تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که داده‌های باز، بسترهای آنلاین و آزمایشگاه‌های زنده تأثیری ندارند و تأثیر آن‌ها به خودسازمان‌دهی بستگی دارد.

خیام باشتی و زنگی آبادی (۲۰۱۹) در پژوهش خود به نقش مشارکت اجتماعی در افزایش تاب‌آوری و توسعه کیفیت زندگی شهری با رویکرد توانمندسازی شهروندی (مطالعه موردی: بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری جامعه زینبیه اصفهان) پرداختند. نتایج حاکی از آن است که مشارکت ساکنین برای بازسازی و نوسازی در منطقه مذکور عمدتاً به دلیل بی‌اعتمادی به مجریان پروژه به نحوی کم بوده است. احساس رضایت از فعالیت‌های مسئولین و اعتماد به آن‌ها، عاملی است که راه را برای ارتقای سطح مشارکت ساکنین در بازسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی هموار می‌کند. به همین دلیل، توانمندسازی ساکنان به‌عنوان مناسب‌ترین

3 . Zhang

الگو برای مشارکت عمومی در بافت فرسوده منطقه موردمطالعه پیشنهاد شد. استفاده از چنین مدلی فرآیند برنامه‌نویسی و همچنین تصمیم‌گیری از بالا به پایین را ایجاد می‌کند که بر شاخص‌های جامعه تأکید دارد و مشارکت و اعتماد شهروندان را تسریع می‌کند.

کوچور – برا (۲۰۱۹) به بررسی مشارکت اجتماعی در جنبه توسعه شهر هوشمند پرداخت. این تحقیق نشان می‌دهد که دسترسی به فن‌آوری‌های مدرن ارتباط بین مقامات شهری و شهروندان را تسهیل می‌کند که تضمین می‌کند سیاست در دست اجرا مطابق با انتظارات شهروندان باشد.

مبانی نظری

امروزه با توجه به در ارتباط بودن همه علوم می‌توان هر موضوعی را در ابعاد مختلف بررسی و تحلیل کرد و موضوع مشارکت اجتماعی که شامل تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی نیز می‌شود از این قاعده مستثنا نیست. مشارکت در امور شهری درواقع ایفای نقش شهروندان در برآورده ساختن نیازهای خود و رعایت حقوق شهروندی است. از اولین اقدامات پژوهشی در جهت شاخص سازی در حوزه مشارکت اجتماعی شاخص مشارکت اجتماعی است که در سال ۱۹۵۲ توسط «استوارت چپین» ساخته شد. ضابطه کار او در سنجش مشارکت اجتماعی تعداد موارد عضویت و انواع حالات مشارکت (عضویت ساده، شرکت در جلسات، کمک مالی، عضویت در کمیته‌ها و مدیریت) بود و این مدل در طی سالیان بعد با اصلاحاتی مورداستفاده گروه‌های مختلفی قرار گرفت (محسنی،۱۳۸۲:۱٤).

هومنز، رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی می‌کند. مشارکت زمانی نهادی می‌شود که منافع حاصل از آن، بر هزینه‌ها فزونی گیرد. مشارکت هنگامی از فرد سرمی زند که در قبال آن پاداش دریافت کند، برای او ارزشمند باشد و هزینه کمتری پرداخت کند (توسلی،۱۳٦۹: ۳۸۵).

هانتینگتون، نقش نخبگان سیاسی را جهت تشویق مردم به مشارکت مؤثر می‌داند و معتقد است که آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۵۵). ازاین‌رو نگرش‌های نخبگان سیاسی و وضع انجمن‌ها و گروه‌های واسط، از پیش‌زمینه‌های مشارکت محسوب می‌شوند. هابرماس، شکل‌گیری حوزه عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای شکل‌گیری افکار عمومی و مشارکت دانسته است (Habermas, 1989: 22). در اندیشه وی، شرایط دسترسی برابر به مشارکت قرار دارد که ضرورت اجتماعات گفتمانی را پیشنهاد می‌کند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸).

صاحب‌نظران مکتب نوسازی بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید می‌ورزند. بنابراین تقسیم‌بندی، جوامع مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن اقتصاد پیشرفته، انواع فنّاوری‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایزیافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و ... می‌باشد. لذا بر اساس این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل‌گرفته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد. از

سوی دیگر در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و مجموعه مسائل و مشکلات ناشی از عدم توسعه در زمینه‌های یادشده، موجب کم‌رنگ بودن مشارکت در معنای واقعی در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد در این‌گونه جوامعی باشد. تحقیقات انجام‌شده در قالب این مکتب گویای آن است که در بین جوامع، جوامع برخوردار از عناصر توسعه‌یافتگی و به‌تبع آن از میان افراد هر جامعه، افراد برخوردار از سطوح بالای اقتصادی و اجتماعی دارای زمینه‌ها و انگیزه‌های بالاتری برای مشارکت در ابعاد اجتماعی و سیاسی هستند. از آن جمله لرنر در نظریه نوسازی خود، با تکیه‌بر چهار متغیر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت، این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هر چه از شخصیت سنتی به‌طرف شخصیت متجدد و مدرن حرکت کنیم، همبستگی این چهار متغیر رو به افزایش می‌گذارد. روند رو به تزاید شهرنشینی، افزایش سواد را به دنبال داشته که به‌تبع آن باعث افزایش میزان تماس با رسانه‌ها شده و درنهایت تقویت مشارکت را در پی دارد. بنابراین به عقیده لرنر، جامعه جدید، جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت جامعه سنتی به جامعه مشارکتی می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۸).

در یک طبقه‌بندی کلی دودسته نظریه مشارکت وجود دارد:

دسته نخست نظریه‌های مشارکتی هستند که منشأ وبری دارند؛ یعنی از طریقی به نظریه‌های ماکس وبر برمی‌گردند و در آن‌ها بر سیستم اعتقادات باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌های فرد تأکید شده است. در ارتباط با مسئله مشارکت طبق نظریه‌های وبری اگر مشارکت به‌عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود، این کنش برخاسته از وجوه فرهنگی هر جامعه است؛ بنابراین تصور و پنداشتی که افراد دارند بشدت در رفتار آن‌ها در زمینه مشارکت مؤثر خواهد بود. درواقع هنگامی‌که در جامعه‌ای گرایش به مشارکت اندک است ریشه آن به نظام دیدگاه‌های آن جامعه و فرد در ارتباط بافرهنگ، باورها و تصوری که نسبت به پیرامون خود دارد، برمی‌گردد.

طرفداران این نظریه یک متغیر اساسی به نام بی‌قدرتی یا احساس بی‌قدرتی را مطرح می‌کنند یعنی هرقدر باورها، گرایش‌ها و فرهنگ اجتماعی، احساس را در افراد تقویت کند گرایش آن‌ها به مشارکت کاهش می‌یابد.

دسته دوم نظریه‌های مشارکتی بر جنبه‌های رفتاری تأکید دارد. در این نظریه‌ها بخش اعظم رفتار به‌جای اینکه حاصل باورها و گرایش‌ها باشد، نتیجه سود و زیانی است که یک رفتار در خود دارد. به این معنی که پاداش‌ها و مجازات که در قبال انجام یک رفتار نصیب شخص می‌شود، تعیین‌کننده ادامه رفتار اوست. «درواقع برای این‌گونه افراد این مسئله مهم است که در صورت نشان دادن گرایش مشارکتی نظام اجتماعی چقدر آن‌ها را تنبیه می‌کند و یا پاداش می‌دهد. این افراد عقلانی رفتار می‌کنند و با محاسبه هزینه- فایده‌های مشارکت یا عدم مشارکت در تصمیم‌گیری اقدام می‌کنند».

«اما مشارکت شهروندان به‌عنوان نهضتی با هویت سازمان‌یافته، به تجربه نوسازی شهری در امریکا بازمی‌گردد. نوسازی بافت‌های فرسوده شهری به دلیل جابه‌جا کردن مردم و از هم گسیختن روابط خانوادگی و همسایگی، تأثیر اجتماعی عمیقی بر ساکنان کم‌درآمد محدوده طرح‌های نوسازی گذاشت. این مشارکت ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در امریکا شکل گرفت. در این دوره قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت مردم تصویب شد که ماهیت فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد؛ اما مفهوم

مشارکت در نیمه دهه ۱۹٦۰ در انگلیس مطرح شد و پس‌ازآن کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. امروزه در اکثر کشورها مشارکت شهروندان جز جدایی‌ناپذیر فرایند طرح‌ریزی شهری است» (پاپلی یزدی،۱۳۸٦: ۳۳٦).

مشارکت اجتماعی

مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در گروه‌های اجتماعی و سیاسی برای اداره‌ی امور منطقه‌ای یا ملّی در تمام مراحل برنامه‌ریزی و اجرا و به‌ویژه تصمیم‌گیری در این امور را مفهوم مشارکت می‌گویند(مظلوم خراسانی و همکاران،۱۳۹۱).

مشارکت اجتماعی فرآیندی سازمان‌یافته است که افراد بر مبنای اعتمادی که به همدیگر پیدا می‌کنند از روی آگاهی و اطلاع و به‌صورت داوطلبانه و گروهی، با عنایت به علائق معین مشخص که منجر به خود شکوفایی و نیل به اهداف و سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد به می‌گردد به فعالیت مشترک می‌پردازند(علی پور، پروین و همکاران، ۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خو دو جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح شود الف: بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که درنتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد ایجاد می‌شود ب: بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به‌صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵).

علوی تبار(۱۳۷۹) دو متغیر احساس بی‌قدرتی و هزینه‌ی فایده‌ی مشارکت را در مشارکت اجتماعی مهم دانسته است. همچنین متغیرهای دیگری مانند سطح تحصیلات، سن، قومیت‌ها و روابط سنتی و اخلاقی را در مشارکت مؤثر دانسته است. مشارکت ازنظر وی، سهیم شدن و شایسته دانستن مردم در قدرت و تصمیم‌گیری است (مظلوم خراسانی،۱۳۹۱).

مارتین لیپست با مطالعه در کشورهای مختلف، متغیرهای جنس، سواد، شهرنشینی، سن، وضعیت تأهل، منزلت بالای اجتماعی و عضویت در سازمان‌های غیردولتی را به‌عنوان عوامل مهم در ایجاد و افزایش مشارکت اجتماعی دانسته است (رسول‌زاده،۱۳۸۰). ازنظر کالینز افرادی واجد داشتن قدرت بیشتر نسبت به دیگران هستند که منابع بیشتری نیز در بازار کنش‌های متقابل در اختیار داشته باشند همچنین، دارای سرمایه‌ی فرهنگی و انرژی احساسی باشند که باعث نوعی قدرت انگیزشی می‌شود و آن‌ها را به صحبت با برخی وادار کرده از برقراری ارتباط با برخی دیگر بازمی‌دارد (Collins،1997). نظریه‌ی کالینز در تبیین عوامل مهم در مشارکت اجتماعی مهم تلقی شده، از دل این نظریه می‌توان متغیرهایی چون داشتن قدرت سیاسی و خاستگاه شهری را برحسب دارا بودن فرصت‌ها بیرون کشید و بیگانگی سیاسی، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق شهری و خویشاوندگرایی را برحسب انرژی احساسی، میزان تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها به‌عنوان سرمایه‌ی فرهنگی در نظر گرفت.

هوگ در مطالعه‌ای نقش سرمایه‌ی اجتماعی در استقرار فرهنگ سیاسی مردم‌سالار و مشارکت داوطلبانه در سازمان‌ها را بررسی کرده است (Hooghe،2003). آلموند و پاول، ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان معتقدند که شهروندان تحصیل‌کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد

ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌های که این‌گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند(آلموند و پاول،۱۳۸۰:۱۳۸).

در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت، دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان .در سطح خرد، بر انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها تأکید می‌شود و در سطح کلان، زمینه‌ها، شرایط و عناصر ساختاری موردتوجه قرار می‌گیرد (ریترز،۱۳۷۳:۱۱۸).

بنابراین می‌توان گفت که مشارکت دارای دو جنبه ذهنی و رفتاری است. بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی و بخش رفتاری، فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مدنظر دارد. درصورتی‌که ضرورت‌ها و زمینه‌های ذهنی مشارکت برای شهروندان فراهم شود، گرایش به رفتار مشارکتی شکل می‌گیرد. رفتار مشارکتی نیز نتیجه محاسبه هزینه و فایده است. مشارکت ذهنی به دنبال تغییر در گرایش‌ها، باورها و نگرش‌هاست. بدون اعتقاد و باور ذهنی به‌ضرورت مشارکت، رفتار مشارکتی شکل نمی‌گیرد و بروز پیدا نمی‌کند. این نوع مشارکت، مستلزم استفاده و بهره‌گیری از فنّاوری‌های رسانه‌ای، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به‌موقع و سریع شهروندان است. باید گفت که مشارکت ذهنی و رفتاری، مکمل یکدیگرند. ایجاد تغییر در باورها و نگرش‌های مردم درگرو تبیین رفتاری مشارکتی است. اعتقاد و باور به مشارکت، زمانی شکل می‌گیرد که فرد بتواند درنتیجه آن، اقدامی انجام دهد. اقدام به رفتار مشارکتی، زمانی شکل می‌گیرد که با هدفمندی و حصول منافع همراه باشد(رضوی الهاشم، ۱۳۸۸).

مزایای برخورداری جامعه از مشارکت اجتماعی

۱. بالا بردن حس تعلق اجتماعی در شهروندان ۲. افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان ۳. افزایش انگیزه و اعتماد در بین افراد جامعه ٤. افزایش رضایتمندی شهروندان ٥. افزایش سطح آگاهی و بینش اجتماعی شهروندان ٦. کاهش هزینه پروژه‌های شهری ۷. بهبود کیفیت طرح‌ها و برنامه‌های شهری

از مهم‌ترین آثار مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایجاد علاقه و اعتماد در مردم برای توسعه و پیشرفت

۲. تقویت همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و همدلی

۳. استفاده بهینه از منابع و امکانات عمومی و خصوصی

٤. کاهش دیوان‌سالاری و تمرکزگرایی توسعه و پیشرفت(افشار محمدیان،۱۳۹۰)

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و ازنظر نوع، توصیفی تحلیلی می‌باشد. مبانی نظری این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌ها، مقالات، جستجوها و سایت‌های اینترنتی می‌باشد و در روش تحقیق آن ابتدا از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شد که نحوه پاسخگویی به سؤالات به‌صورت مستقیم و رودررو بوده است و با توجه به موضوع و مبانی نظری پژوهش معیارها و زیر معیارها تهیه شد. جامعه آماری ۳۲٤۵ نفر بوده که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳٤٤ بدست آمد است. دقت کنید این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفته است. طبیعی است هر چه جامعه کوچکتر باشد، این درصد بزرگتر خواهد شد و بر عکس، هر چه جامعه بزرگتر شود، نسبت درصد نمونه کاهش خواهد یافت (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۷). در مرحله بعد از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS میانگین گرفته شد. بعد از طریق مدل AHP به صورت دستی به هر یک از معیارها و زیر معیارها بر اساس میانگین به‌دست‌آمده و نیز بر اساس جدول ۹ کمیتی ساعتی وزنی داده شد و نسبت به هم مقایسه زوجی شده‌اند. سپس محاسبات لازم انجام و وزن یا امتیاز نهایی معیارها وزیر معیارها و در آخر وزن نهایی گزینه‌ها برای تصمیم‌گیری بهتر مشخص شد درنهایت توزیع فضایی مشارکت اجتماعی در سطح نواحی با استفاده از نرم‌افزار GIS 10 بر روی نقشه نشان داده شد.

جدول ۱. معیارهای سنجش میزان موفقیت مشارکت اجتماعی

معیار	گویه (زیر معیار)	منبع
فرهنگی	۱. میزان تحصیلات ۲. استفاده از رسانه ۳. انگیزه‌های شخصی	ذوالقدر، قاسمزاده عراقی، ۱۳۹۲.
سیاسی	۱. رضایتمندی ۲. شرکت در انتخابات ۳. میزان تأثیرگذاری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	شریف‌زاده و همکاران، ۱٤۰۲.
اقتصادی	۱. شرکت در اتحادیه‌ها مثل اتحادیه صنفی و کارگری و... ۲. میزان درآمد ۳. وضعیت اشتغال	عزیزخانی، (۱٤۰۲).
اجتماعی	۱. اعتماد اجتماعی ۲. احساس تعلق اجتماعی ۳. میزان مشورت و همکاری با نهادهای مردمی	حیدرآبادی، ۱۳۸۹.

معرفی محدوده موردمطالعه

پیشنهاد شهر جدید رامشار در شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان، به‌عنوان یکی از نتایج طرح منطقه‌ای سیستان، در سال ۱۳۷۰ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده است. در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲٤ شرکت عمران شهر جدید رامشار به ثبت رسید و نخستین اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت تعیین گردید. طرح راهبردی شهر جدید رامشار در سال ۱۳۷۳

تهیه شد و به تصویب کمیته تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید رسید. شهر جدید رامشار در مجاورت دشت سیستان و در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل قرار دارد. مختصات جغرافیایی آن ۳۰ درجه و ٤٠ دقیقه عرض شمالی و ٦١ درجه ۲۵ دقیقه طول شرقی است و در ارتفاع متوسط ٤۹۵ متری از سطح دریا واقع‌شده است. اراضی شهر جدید رامشار با مساحت ۱۲۰۰ هکتار از طرف شمال با دشت لوتک ۵ و از طرف جنوب با دشت قلعه رستم و از طرف غرب با سواحل دریاچه‌ای هامون هم‌جوار است. فاصله اراضی شهر جدید رامشار تا زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان ۱۸۰ کیلومتر است(وارثی و همکاران، ۱۳۸۷). جمعیت شهر جدید رامشار به میزان ۳۲٤۵ نفر می‌باشد.

شهر جدید رامشار بر اساس الگوی پیشنهادی طرح جامع به ٤ ناحیه تقسیم‌شده ولی نواحی ۳ و ٤ هنوز در حد طرح معرفی‌شده‌اند و اکنون درحالی‌که ساخت‌وساز هستند. همچنین شهر جدید رامشار با تکیه‌بر طرح تفصیلی به ٤ ناحیه تقسیم‌شده است. مساحت ناحیه یک ۲۸۰ هکتار و ناحیه دو ۳۱۰ هکتار (روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید رامشار، ۱۳۹۰). لذا تحقیق حاضر بر اساس این دو ناحیه انجام گردیده است؛ و محدوده مورد مطالعه و بررسی ما نواحی ۱ و ۲ شهر جدید رامشار در نزدیکی شهرستان زابل می‌باشد که در این محدوده به سنجش میزان موفقیت مشارکت اجتماعی مردم در امور شهری می‌پردازیم.

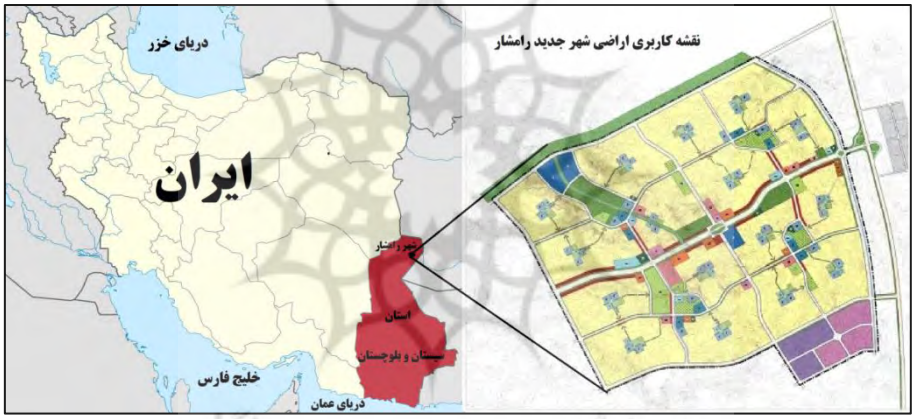

شکل ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده موردمطالعه

بحث و یافته‌های پژوهش

در این مقاله هدف کلی تعین میزان برخورداری از مشارکت اجتماعی می‌باشد. معیارها شامل ٤ معیار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و برای هر معیار ۳ زیر معیار وجود دارد؛ که به‌طور جداگانه برای تمامی معیارها و زیر معیارها محاسبات ریاضی شامل ماتریس زوجی، میانگین هندسی و ضریب اهمیت انجام گردید. فرآیند تعیین وزن گزینه‌ها مانند تعین وزن معیارها نسبت به هدف است. فقط با این تفاوت که مقایسه گزینه‌ها نسبت به زیر معیارها و معیارهاست ولی مقایسه معیارها نسبت به همدیگر انجام می‌شود.

نمودار تحلیل سلسله مراتبی

در تحلیل سلسله مراتبی معمولاً برای تجزیه‌وتحلیل مسئله و شناخت کلی ابتدا معیارها، زیر معیارها و در آخر گزینه‌ها به‌صورت درختی یا هرمی نشان داده می‌شوند. (شکل ۲) در اینجا پیش از فرآیند محاسباتی میانگین کلی معیارها تحقیق که از پرسشنامه گرفته شد را برای تبیین روشن‌تر مسئله ارائه کردیم. (شکل ۳ و ٤)

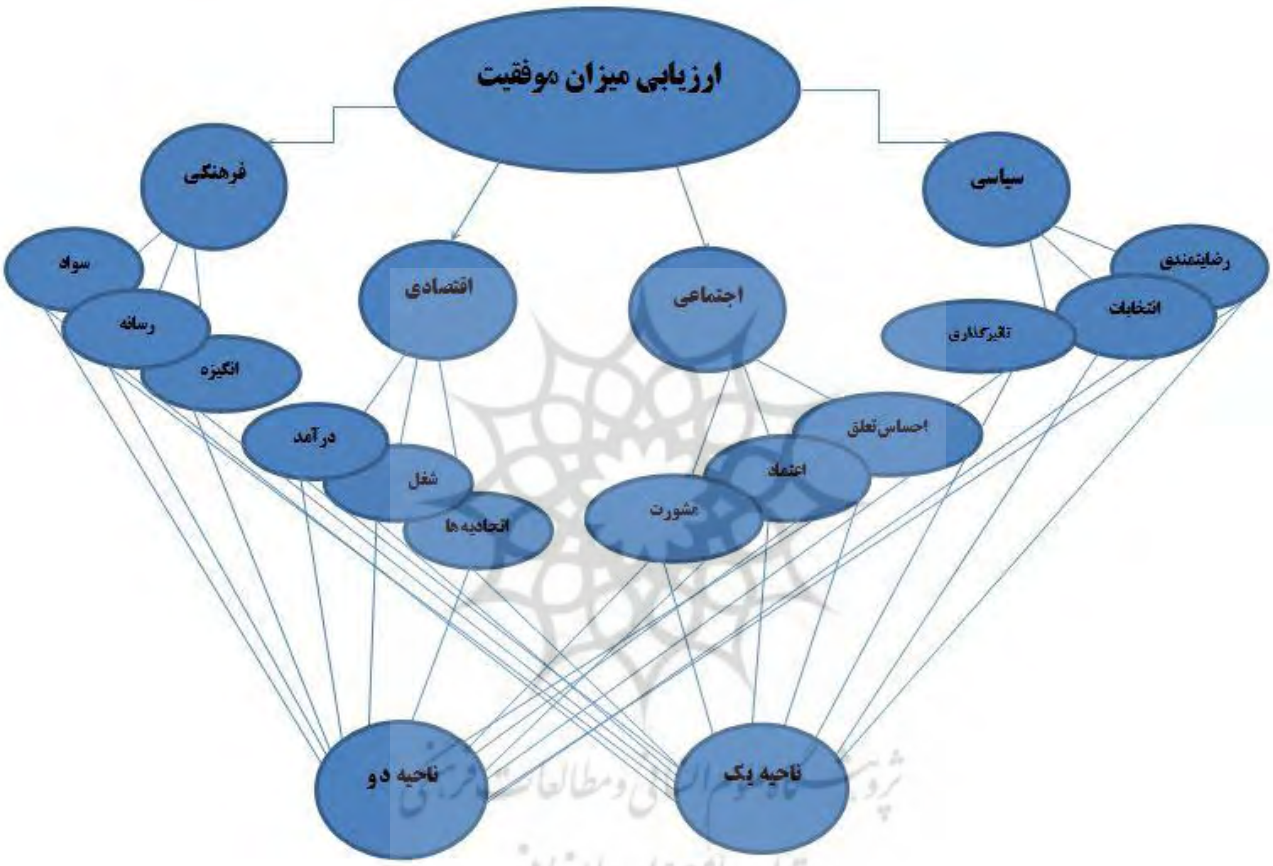

شکل ۲: سلسله‌مراتب

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰۳.

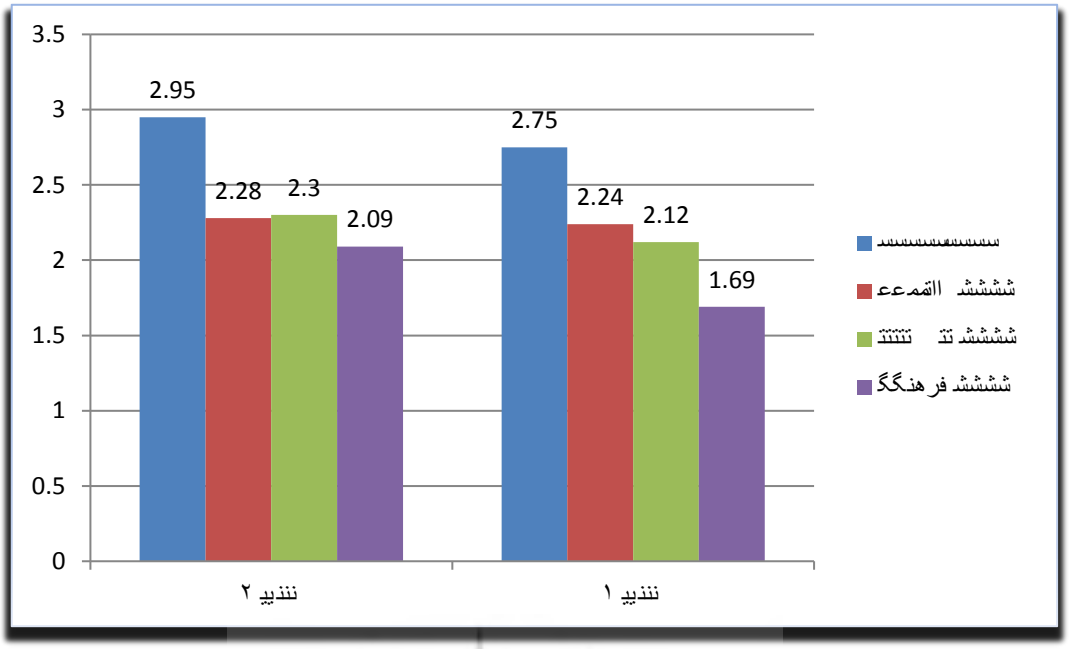

شکل ۳: مقایسه شاخص‌های مشارکت اجتماعی در نواحی ۱ و ۲ شهر جدید رامشار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳.

در تحلیل شکل ۳ و مقایسه شاخص‌های مشارکت اجتماعی در نواحی ۱ و ۲ شهر جدید رامشار نشان از سطح پایین موفقیت مشارکت در ابعاد مختلف وجود دارد و در مقایسه ناحیه ۱ و ۲ شهر جدید رامشار در همه شاخص‌های چهارگانه (سیاسی-اجتماعی- اقتصادی-فرهنگی) ناحیه ۲ در شرایط بهتری نسبت به ناحیه ۱ می باشد. شکل ٤ میانگین شاخص‌های مشارکت اجتماعی در شهر جدید رامشار را نشان می‌دهد. که گویای این مطلب است که شهر جدید رامشار در وضعیت نامطلوبی از نظر مشارکت اجتماعی قرار دارد.

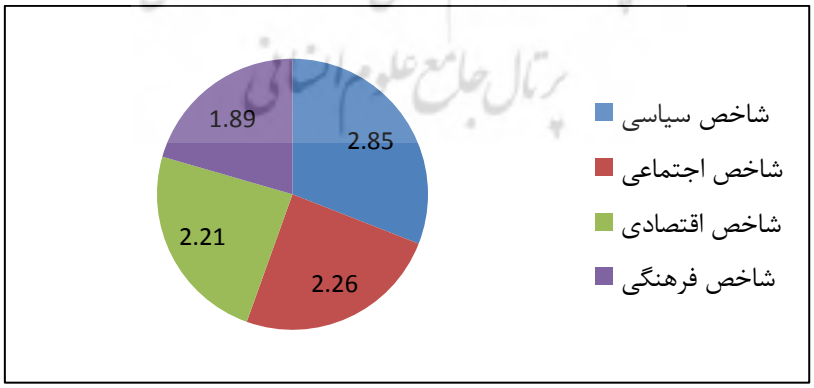

شکل ٤: میانگین شاخص‌های مشارکت اجتماعی در شهر جدید رامشار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳

فرآیند محاسباتی مدل

تعیین ضریب اهمیت معیارها:

(A) $1\frac{1}{9}\frac{1}{7}$:فرهنگی

(B) 9 1 1 3 :سیاسی

(C) 7 1 1 3 :اجتماعی

(D) $5\ \frac{1}{3}\ \frac{1}{3}$ 1 :اقتصادی

میانگین هندسی:

(1)($\frac{1}{9}$)($\frac{1}{7}$)($\frac{1}{5}$) =0.2374 :فرهنگی

(9)(1)(1)(3)=2.2795 :سیاسی

(7)(1)(1)(3)=2.1497 :اجتماعی

(5)($\frac{1}{3}$)($\frac{1}{3}$)(1)=0.8633 :اقتصادی

ضریب اهمیت:

W1:$\frac{0.2374}{5.5209}$=0.043

W2:$\frac{2.2795}{5.5209}$=0.412

W3:$\frac{2.1497}{5.5209}$=0.387

W4:$\frac{0.8633}{5.5209}$=0.156

معیارها:

معیار سیاسی:

$\frac{11}{39}$ (e) 1 :تأثیرگذاری در برنامه

1 6 (g) 9 :انتخابات

$1\frac{1}{6}$ (f) 3 :رضایتمندی

(3)($\frac{1}{6}$)(1)=0.385 (9)(1)(6)=3.729 g: e; (1)($\frac{1}{9}$)($\frac{1}{3}$)=0.337 f:

We:$\frac{0.337}{4.451}$=0.075 Wf:$\frac{3.729}{4.451}$=0.837 Wg:$\frac{0.385}{4.451}$=0.086

معیار اجتماعی:

$\frac{1}{3}\ \frac{1}{7}$ 1 (h) :اعتماد

7 1 5 (j) :میزان همکاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

:احساس تعلق 1 $\frac{1}{5}$ 3 (i)

h: (1)($\frac{1}{7}$)($\frac{1}{3}$)=0.366 j: (7)(1)(5)=3.232 i:: (3)($\frac{1}{5}$)(1)=0.409

Wi: $\frac{0.409}{4.007}$=0.102 Wj:$\frac{3.232}{4.007}$=0.806 Wh:$\frac{0.366}{4.007}$:0.091

معیار اقتصادی:

:درآمد $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{4}$ 1 (k)

:اتحادیه 6 1 8 (l)

:شغل 1 $\frac{1}{6}$ 4 (m)

K: (1)($\frac{1}{8}$)($\frac{1}{4}$)=0.318 l: (8)(1)(6)=3.587 m: (4)($\frac{1}{6}$)(1)=0.350

Wk:$\frac{0.318}{4.255}$=0.074 Wl:$\frac{3.587}{4.255}$=0.843 Wm:$\frac{0.350}{4.255}$=0.082

معیار فرهنگی:

:سواد $\frac{1}{9}$ $\frac{1}{5}$ 1 (n)

:رسانه 7 1 9 (p)

:انگیزه 1 $\frac{1}{7}$ 5 (o)

n; (1)($\frac{1}{9}$)($\frac{1}{5}$)=0.284 p: (9)(1)(7)=3.924 o: (5)($\frac{1}{7}$)(1)=0.309

Wn:$\frac{0.284}{4.517}$=0.062 Wp:$\frac{3.924}{4.517}$=0.868 Wo:$\frac{0.309}{4.517}$=0.068

ماتریس ارزیابی

جدول ۱: ماتریس ارزیابی برای میزان مشارکت اجتماعی

گزینه‌ها	رضایتمندی	انتخابات	تأثیرگذاری	اعتماد	تعلق	همکاری	اتحادیه	درآمد	شغل	سواد	رسانه	انگیزه
ناحیه 1	بالا	بالا	بالا	پایین	پایین	بالا	بالا	پایین	پایین	پایین	پایین	پایین
ناحیه 2	بالا	بالا	بالا	پایین	پایین	بالا	بالا	پایین	پایین	پایین	بالا	پایین

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳.

تعیین ضریب اهمیت زیر معیارها

زیرمعیار ضریب اهمیت گزینه‌ها میانگین هندسی ماتریس زوجی

رضایتمندی:

	A	B
A	1	$\frac{1}{9}$
B	9	1

Wa=0.1 Wb=0.90

A: $(1)(\frac{1}{9})=0.333$

B: $(9)(1)=3$

انتخابات:

	A	B
A	1	$\frac{1}{8}$
B	8	1

Wa=0.110 Wb=0.889

A: $(1)(\frac{1}{8})=0.353$

تأثیرگذاری:

	A	B
A	1	$\frac{1}{7}$
B	7	1

Wa=0.124 Wb=0.875

A: $(1)(\frac{1}{7})=0.377$

اعتماد:

	A	B
A	1	$\frac{1}{6}$
B	6	1

Wa=0.142 Wb=0.857

A: $(1)(\frac{1}{6})=0.408$

احساس تعلق:

	A	B
A	1	5
B	$\frac{1}{5}$	1

Wa=0.833 Wb=0.166

A: $(1)(5)=2.236$

میزان همکاری:

	A	B
A	1	$\frac{1}{9}$
B	9	1

Wa=0.1 Wb=0.90

A: $(1)(\frac{1}{9})=0.333$

B: $(9)(1)=3$

اتحادیه:

	A	B
A	1	9
B	$\frac{1}{9}$	1

Wa=0.90 Wb=0.1

A: $(1)(9)=3$

B: $(\frac{1}{9})(1)=0.333$

درآمد:

	A	B
A	1	4
B	$\frac{1}{4}$	1

Wa=1.25 Wb=0.2

A: $(1)(4)=2$

B: $(\frac{1}{4})(1)=0.5$

A: $(1)(\frac{1}{5})=0.447$

B: $(5)(1)=2.236$

شغل: $\begin{matrix} & A & B \\ A & 1 & \frac{1}{5} \\ B & 5 & 1 \end{matrix}$ Wa=0.166 Wb=0.833

تحصیلات: $\begin{matrix} & A & B \\ A & 1 & \frac{1}{2} \\ B & 2 & 1 \end{matrix}$ Wa=0.333 Wb=0.666

A: $(1)(\frac{1}{2})=0.707$

B: $(2)(1)=1.414$

رسانه: $\begin{matrix} & A & B \\ A & 1 & 8 \\ B & \frac{1}{8} & 1 \end{matrix}$ Wa=0.889 Wb=0.110

A: $(1)(8)=2.828$

B: $(\frac{1}{8})(1)=0.353$

انگیزه: $\begin{matrix} & A & B \\ A & 1 & 3 \\ B & \frac{1}{3} & 1 \end{matrix}$ Wa=0.756 Wb=0.243

A: $(1)(3)=1.732$

B: $(\frac{1}{3})(1)=0.577$

در این مقاله روش میانگین هندسی به دلیل دقت بیشتر آن مورداستفاده قرارگرفته است. روش سلسله مراتبی یک روش ساده محاسباتی بر اساس عملیات اصلی بر روی مقیاس‌ها است. با ایجاد سلسله‌مراتب و تحلیل مرحله‌ای و ساخت ماتریس‌های زوجی در سطوح مختلف سلسله‌مراتب بردار ویژه را محاسبه کرده و با جمع بردارها ضریب وزنی گزینه‌های مختلف محاسبه می‌شوند. در بردار ضرایب وزن نهایی، اهمیت نسبی هر گزینه با توجه به هدف رأس هرم سلسله مراتبی تعیین می‌شود. این تحقیق با تحقیق غلامی و همکاران (۱۴۰۱) بر روی شهر شهر جدید پردیس در بعد مشارکت اجتماعی برابری می‌کند چرا که در تحقیق غلامی و همکاران معیار مشارکت اجتماعی با وزن ۰/۰۳٤ در پایین‌ترین سطح در بین ٦ معیار مورد بررسی در این تحقیق بوده است. دلیل آن می‌تواند بحران هویّت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت باشد. یا اینکه موانع مشارکت در طرحهای شهری و خودداری متولیان شهری از دیدگاه مردم در ساخت این شهرها باشد.

همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹٦) که به بررسی بحران هویّت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهرجدید پردیس) پرداختند، در بخش مشارکت اجتماعی همسو می‌باشد. و بیان می‌کنند که در مجامع علمی و اجرایی پرسش‌های بی‌شماری در زمینه شهرهای جدید و دلایل عدم موفقیت آن‌ها مطرح می‌شود، پاسخ بسیاری از این پرسش‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به هویّت شهری و جایگاه آن در شهرهای جدید برمی‌گردد. در مورد موضوع هویّت شهری، مشارکت اجتماعی مردم در فرآیند ایجاد و تولید فضاهای شهری و پس از آن حضور در عرصه‌های شهری و برقراری ارتباط مناسب بین شهر و شهروند و احساس تعلق خاطر ساکنان به محیط شهری و شهرشان عنوان می‌گردد.

امتیاز نهایی گزینه‌ها

جدول ۲: وزن نهایی گزینه‌ها

امتیاز نهایی	فرهنگی			اقتصادی			اجتماعی			سیاسی			گزینه
	انگیزه	رسانه	سواد	شغل	درآمد	اتحادیه	همکاری	تعلق	اعتماد	تأثیرگذاری	انتخابات	رضایتمندی	
	(0.068)	(0.868)	(0.062)	(0.082)	(0.074)	(0.843)	(0.102)	(0.806)	(0.091)	(0.075)	(0.086)	(0.837)	
0.482	(0.043)	(0.043)	(0.043)	(0.156)	(0.156)	(0.156)	(0.387)	(0.387)	(0.387)	(0.412)	(0.412)	(0.412)	A
	(0.756)	(0.889)	(0.333)	(0.166)	(1.125)	(0.90)	(0.1)	(0.833)	(0.142)	(0.124)	(0.110)	(0.1)	
	(0.068)	(0.868)	(0.062)	(0.082)	(0.074)	(0.843)	(0.102)	(0.806)	(0.091)	(0.075)	(0.086)	(0.837)	
0.519	(0.043)	(0.043)	(0.043)	(0.156)	(0.156)	(0.156)	(0.387)	(0.387)	(0.387)	(0.412)	(0.412)	(0.412)	B
	(0.243)	(0.110)	(0.666)	(0.833)	(0.2)	(0.1)	(0.90)	(0.166)	(0.857)	(0.875)	(0.889)	(0.90)	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰۳.

همان‌طور که از نتیجه محاسبات برمی‌آید امتیاز نهایی نشان می‌دهد از بین دو ناحیه شهر رامشار، ناحیه دوم در زمینه برخورداری از مشارکت اجتماعی سهم بالاتری را به خود اختصاص داده است. این امر نشان‌دهنده این است که در جریان امور و در اجرای طرح‌های توسعه شهری از نظرات مردم و مشارکت آنان بیشتر استفاده‌شده است؛ و نتیجه این شد که مشارکت اجتماعی در ناحیه دو موفق‌تر عمل کرده است. در مقابل ناحیه اول شهر رامشار نیازمند بهره‌گیری بیشتر از مشارکت مردمی در امور اجتماعی و اداری خود می‌باشد زیرا مشارکت اجتماعی بیشتر زمینه‌ساز رضایتمندی عموم شهروندان، نماد ارتقای کیفیت زندگی و نیز موفقیت دولت در ارائه طرح‌های توسعه و عمران شهری می‌باشد.

تهیه نقشه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی

در این مرحله محدوده‌ای سطوح برخوردار و نیازمند و محل جدایی آن‌ها مشخص شد. نقشه پراکندگی میزان مشارکت اجتماعی به تفکیک نواحی شهر بر اساس میزان برخورداری در محیط GIS۱۰ تولید و ترسیم‌شده است. در این روش، داده‌ها پس از معرفی شاخص‌های موردنظر، توسط نرم‌افزار بررسی می‌شود. نتیجه حاصل از بررسی نواحی شهر نشان می‌دهد ناحیه دوم با وزن 0.5191 به‌عنوان ناحیه‌ی برخوردار و دارای مشارکت اجتماعی بالا شناخته شد و ناحیه اول با وزن 0.4822 که دارای مشارکت اجتماعی در سطح پایین‌تری است به‌عنوان ناحیه‌ای نیازمند شناخته شد.

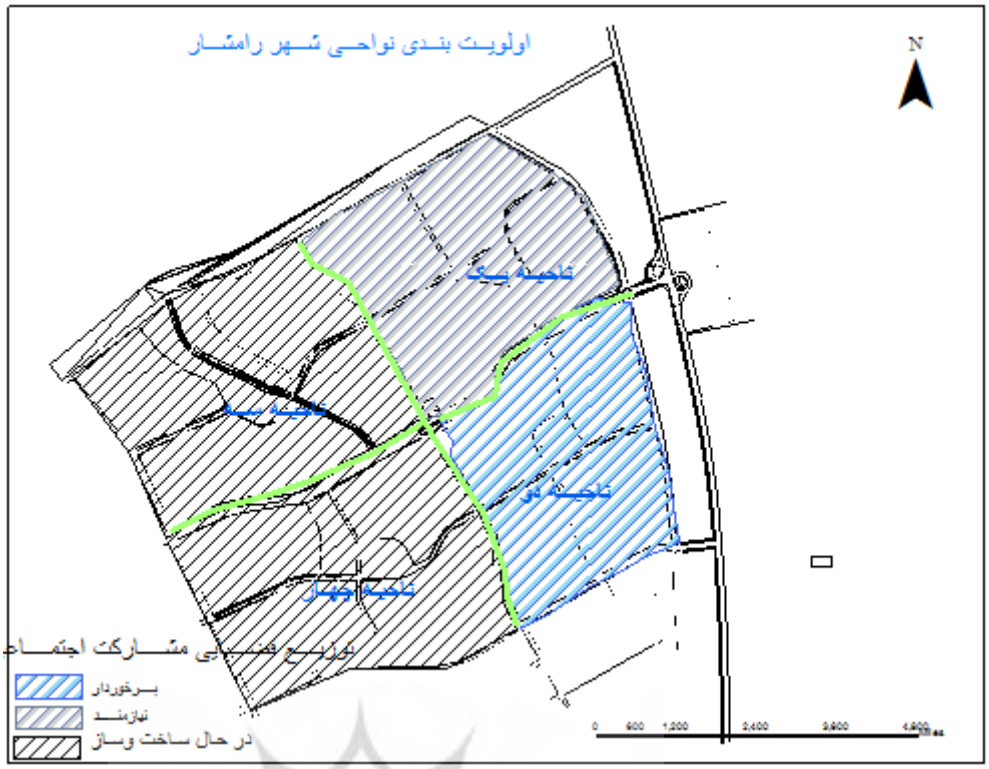

شکل ٤: اولویت‌بندی نواحی شهر رامشار

منبع: یافته‌های تحقیق، ١٤٠٣

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت به معنی بکار گرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. در سال‌های اخیر کاربرد این مفهوم در نزد برنامه ریزان و مدیران شهری ارزش و اعتبار زیادی یافته است و همگان به مزایای این امر مهم پی بردند تا جایی که پیشرفت در امور شهری بدون در نظر گرفتن مشارکت اجتماعی امری امکان‌ناپذیر است. در سال‌های اخیر دولت‌ها پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه خود در یک بازنگری کلی به بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی در فرایند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه پرداختند. به‌طوری‌که امروزه به‌کارگیری مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری یک امر ضروری است تا جایی که می‌توان گفت از این طریق بیشترین رضایتمندی را برای شهروندان حاصل می‌شود.

در این پژوهش شاخص‌های در جامعه با زیر شاخص‌های مربوطه برای سنجش و ارزیابی میزان موفقیت مشارکت اجتماعی شهروندان در امور اجتماعی موردتوجه قرارگرفته است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که از بین دو ناحیه شهر رامشار، ناحیه دوم در زمینه برخورداری از مشارکت اجتماعی سهم بالاتری را به خود اختصاص داده است. این امر نشان‌دهنده این است که در جریان امور و در اجرای طرح‌های توسعه شهری از نظرات مردم و مشارکت آنان بیشتر استفاده‌شده است؛ و نتیجه این شد که مشارکت اجتماعی در ناحیه دو موفق‌تر عمل کرده است. همچنین یافته‌های پژوهشی بیانگر این است که در سنجش شاخص‌های مورداستفاده برای شهر رامشار، شاخص سیاسی وزن و امتیاز بالاتری را به دست آورده و به ترتیب شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در رده‌های بعدی قرار گرفتند؛ که ریشه‌یابی این موضوع در این تحقیق گنجانده نمی‌شد؛ و این امر خود جای تحقیق و تفحص جداگانه و بیشتری را می‌طلبد.

این تحقیق با تحقیق غلامی و همکاران (۱٤۰۱) بر روی شهر شهر جدید پردیس در بعد مشارکت اجتماعی برابری می‌کند چرا که در تحقیق غلامی و همکاران معیار مشارکت اجتماعی با وزن ۰/۰۳٤ در پایین‌ترین سطح در بین ٦ معیار مورد بررسی در این تحقیق بوده است. دلیل آن می‌تواند بحران هویّت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت باشد. یا اینکه موانع مشارکت در طرحهای شهری و خودداری متولیان شهری از دیدگاه مردم در ساخت این شهرها باشد.

همچنین یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹٦) که به بررسی بحران هویّت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهرجدید پردیس) پرداختند، در بخش مشارکت اجتماعی همسو می‌باشد. و بیان می‌کنند که در مجامع علمی و اجرایی پرسش‌های بی‌شماری در زمینه شهرهای جدید و دلایل عدم موفقیت آن‌ها مطرح می‌شود، پاسخ بسیاری از این پرسش‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به هویّت شهری و جایگاه آن در شهرهای جدید برمی‌گردد. در مورد موضوع هویّت شهری، مشارکت اجتماعی مردم در فرآیند ایجاد و تولید فضاهای شهری و پس از آن حضور در عرصه‌های شهری و برقراری ارتباط مناسب بین شهر و شهروند و احساس تعلق خاطر ساکنان به محیط شهری و شهرشان عنوان می‌گردد.

در واقع افزایش استفاده از مشارکت اجتماعی می‌تواند باعث بهبود طرح‌های توسعه شهری و رضایت خاطر شهروندان از محیط زندگی خود شود. در این زمینه بهتر است در مطالعات طرح‌های توسعه شهری از مردم نظرخواهی شود؛ و مطابق با نظر عموم برنامه‌ریزی پیش رود تا شاهد موفقیت مشارکت اجتماعی در سطح جامعه باشیم؛ بنابراین برای متعادل کردن این امر در تمام شهر و بالا بردن مشارکت اجتماعی در ناحیه یک رامشار باید بر تقویت و توسعه ابزارهای بهره‌گیری از نظرات مردم در روند امور تأکید کرد. با توجه به نتایج نهایی پژوهش، می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی در نواحی شهر جدید رامشار به‌صورت موفقیت‌آمیز وجود ندارد به این دلیل که مشارکت اجتماعی در ناحیه دو رامشار با میزان موفقیت بیشتری همراه بوده است.

پیشنهادها

۱. نظرخواهی از مردم در تهیه و تصویب طرح‌های توسعه شهری به‌عنوان کسانی که عناصر اصلی جامعه به شمار می‌روند و بیشترین تأثیر را از طرح‌ها و برنامه‌ها می‌پذیرند و نیز بیشترین و بهترین شناخت را از محیط اجتماعی دارند؛

۲. رعایت حقوق شهروندی با اجازه دادن به حضور مداوم شهروندان در محیط زندگی خود؛

۳. بهره‌گیری از نظرات مردمی و حضور مستقیم و غیرمستقیم مردم در عرصه‌های مختلف و درنتیجه رضایتمندی شهروندان؛

٤. افزایش نقش نهادهای مردمی و غیردولتی در تصمیم‌گیری‌های عمومی.

۵. پیگیری لازم جهت استقرار برخی ارگانها و سازمانهای دولتی در شهر جدید رامشار.

٦. در جهت رونق اقتصادی فراهم نمودن بستری مناسب برای استفاده گردشگران داخلی وخارجی با توجه به تاریخ کهن منطقه و همجواری شهر جدید رامشار با شهر سوخته.

۷. ضرورت ایجاد مراکز تفریحی، فرهنگی و ورزشی برای جوانان و نوجوانان، زیرا در صورتیکه مراکز تفریح، ورزش و آموزش برای قشر جوان فراهم نشود، علاقه به سکونت در شهر جدید وجود نداشته، با تمام مشکلات در شهر مادر خود را دارای جایگاه و موقعیت می‌دانند.

۸. واگذاری مسکن و زمین ارزان قیمت در شهر جدید رامشار برای جذب جمعیت در قالب طرح ملی مسکن.

منابع

ارشدی، محمود(۱۳۷٦). تحلیلی بر توسعه پولاد شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

افشار محمدیان، حسن (۱۳۹۰). جایگاه مدیریت محله‌ای و مشارکت عمومی در فضای جغرافیایی و برنامه‌ریزی راهبردی. همایش منطقه‌ای فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط، دانشگاه آزاد اسلامشهر.

اقبال، نگار؛ خدادادی، راحله (۱۳۹۹). مشارکت مردم در مدیریت شهری شهرهای جدید. سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر.

آلموند، گابریل؛ پاول، جی (۱۳۸۰). مشارکت و حضور شهروندان. ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱٦۳-۱٦٤، تهران.

پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجردی، حسین(۱۳۸٦). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.

جمالی حاجی حسن سفلی، عین الله؛ نعمت اللهی بناب، سیمین دخت (۱٤۰۰). بررسی و ارزیابی نقش شهروندان و مشارکت اجتماعی آنان در دستیابی به اهداف توسعه پایدار شهری مورد: کلان‌شهر تبریز. سیاست‌گذاری محیط شهری، ۱(۱)، ۹۵-۱۱۲. https://dorl.net/dor/20.1001.1.27833496.1400.1.1.16.4

حاج سید حسینی، پونه السادات (۱۳۹۹). بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی شهروندان در ساختار مدیریت شهری. معماری شناسی، ۳(۱۵)، ۱-۷. https://memarishenasi.ir/files/cd_papers/r_478_200718123346.pdf

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. ناشر: سمت، تعداد صفحات: ۳۳٦.

حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران). نشریه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۱(۱)، ٦٦-۳۹.

خمر، غلامعلی؛ اسماعیل‌زاده کواکی، علی؛ براتپور، علی (۱۳۹۰). ارزیابی توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در سطح مناطق شهری با استفاده از تکنیک Topsis و GIS، مطالعه موردی: نواحی شهر قوچان. مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۲(٤)، ۱۱۲ – ۹۵.

دری نوگرانی، حسین (۱۳٦۹). مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی- تحلیلی بر مفاهیم و روش‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق.

ذوالقدر، حسین؛ قاسمزاده عراقی، مرتضی (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۰(۳)، ۳۵-۵۸. https://doi.org/10.22082/cr.2013.23538

رسول‌زاده، بهزاد؛ صبحانعلی، فروزنده (۱۳۸۰). بررسی علل کاهش مشارکت مردم استان اردبیل. استانداری اردبیل.

رضوی الهاشم، بهراد؛ میثم موسایی (۱۳۸۸). تحلیل (سوات) مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه‌ریزی مدیریت شهری. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۶(۴۷)، ۱۹۶ – ۱۶۱.https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351162.1388.16.47.5.2

ریتزر، جورج (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

زارع، الهام؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ عباسی پارام، الناز (۱۳۹۹). بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها (مطالعه موردی: محله سنگلج تهران). معماری و شهرسازی پایدار، ۸(۱)، ۱۰۱-۱۱۷. https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.5447.1517

شاطریان، محسن؛ حیدری سورشجانی، رسول (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان(مطالعه موردی: شهر برزک). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ٤(۱۰)، ۱۹۱-۲۰۹.https://doi.org/10.22080/ssi.2018.1741

شاطریان، محسن؛ سهراب زاده، مهران؛ امامعلی‌زاده، حسین؛ حسینی زاده، سید سعید (۱۳۹۶). بحران هویّت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهرجدید پردیس). دوره ۸، شماره ۲۸، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۱۱۱-۱۳٤.

شریف‌زاده، بابک؛ هادی زاده، نسرین؛ خالقی پور، زینب؛ کمان ترکی، ندا (۱٤۰۲). تحلیل و بررسی اثرگذاری مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری از نگاه شهروندان. سومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط‌زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب.

طراحی شهری (۱۳۹۰). انتشارات روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید رامشار.

عزیزخانی، فاطمه (۱٤۰۲). آسیب‌شناسی تعیین حداقل دستمزد در ایران (۱): بررسی ساختار تصمیم‌گیری تعیین دستمزد. مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کالن و مدل‌سازی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

عزیزی، محمدمهدی؛ پیرکار، رضا (۱٤۰۲). نقش فضاهای عمومی درون محله‌ای در ارتقای مشارکت اجتماعی مطالعه موردی: محله کوی نصر تهران. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی صفه. ۱۰۲ (۳)، ۸۷-۱۰۸. https://doi.org/10.48308/sofeh.2023.229956.1222

علی پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیانی، ملیحه (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت(بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۰(۲)، ۱۳۵ – ۱۰۹.https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1388.10.2.5.9

علی‌اکبری، اسماعیل؛ جمال لیوانی، آتنا (۱۳۹۰). مکان‌یابی محل دفن بهداشتی زباله‌های جامد شهری با استفاده از روش AHP مطالعه موردی: شهر بهشهر. جغرافیا(فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران)، ۹(۳۰)، ۱۱۱ – ۹۵.

غلامی، غلام؛ سرور، رحیم؛ توکلان، علی (۱٤۰۱). تعیین شاخص های ایجاد شهر جدید با استفاده از روش AHP و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف ایجاد شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر جدید پردیس. فصلنامه علمی – پژوهشی اطالعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۳۱، شماره ۱۲۲، صص: ۲۰٦-۱۸۹.

محسنی، منوچهر؛ جارالهی، عذرا (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. تهران، انتشارات آرون، چاپ اول.

مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن؛ کیش بافان، بی بی فاطمه (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(٤٥)، ۱۵۲ -۱۳۱. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1390.22.4.8.0

مرادپور، فریبا؛ محسنی، رضاعلی؛ رحیمی، محمود (۱٤۰۳). بررسی نقش مشارکت اجتماعی و فرهنگی شهروندان در توسعه پایدار شهرهای جدید با تأکید بر ارتقاء امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی امنیت ملی. دوره ۱٤، شماره ۵۲ – شماره پیاپی ۵۲. صفحه: ۹٦-٦۹. https://ns.sndu.ac.ir/article_3134.html

موسوی، میرطاهر(۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ٦(۲۳)، ۹۲- ٦۷. URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۱۹٦۳-fa.html

نوروزی، فیض‌اله؛ بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد، ۱۷(٤)، ۲۱- ۱. https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1388.17.4.6.0

وارثی، حمیدرضا؛ اذانی، مهری؛ حاجی حسینی، حبیب (۱۳۸۷). تحلیلی از وضعیت شهر جدید رامشار(با تأکید بر عدم جمعیت‌پذیری). مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۳۲(٤)، ٦۸-٤۷.

وحیدا، فریدون؛ نیازی، محسن (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، ۲(۲۳)، ۱۱۷ – ۱٤۵. https://jnoe.ut.ac.ir/article_10546.html

همدانی، پریسا؛ رستمی، روح‌الله (۱۳۹۹). نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری مطالعه موردی: شهر رباط‌کریم. فصلنامه شهر پایدار، ۳(٤)، ۹-۱۰۵. https://doi.org/10.22034/jsc.2020.244709.1297

Bollenbach, L., Niermann, Ch., Schmitz, J., & Kanning, M. (2023). Social participation in the city: exploring the moderating effect of walkability on the associations between active mobility, neighborhood perceptions, and social activities in urban adults. BMC Public Health, volume 23, Article number: 2450 (2023).

Bowen, W.M. (1993). AHP: Multiple Criteria Evaluation, in Klosterman R.et al, Spreadsheet models for urban and regional analysis. New Brunswick: center for urban policy Research.

Collins, Randall (1997). Theoretical Sociology. University of California, Riverside, Japur and New Delhi: RA WAT Publication.

Habermas, J. (1989). Citizenship and National Identity: same Reflections on the future of Europe. in B. S. turner and P. Hamilton.

Hoghe, M. (2003). Participation in Voluntary associations and Valu indicators "The effect of current and Previous Participation experiences". Nonprofit and Voluntary sector quarterl.

Kato, H & Takizawa, A. 2024 Urban transformation and population decline in old New Towns in the Osaka Metropolitan Area. Cities. Volume 149, June 2024, 104991.

Khayambashit, E., & Zangi Abadi, A. (2019). The role of social participation in increasing resiliency and developing urban life quality with a citizen empowerment approach (Case study: Regenerating worn urban textures of Zeinabieh community of Isfahan). Socio-Spatial studies, 3(7), 31-48.

Kocur-Bera, K. (2019). Social Participation In The Aspect Of A Smart City Development. GeoScience Engineering. 65(3), 35-42.

Yin, G., Liu, Y., Chen, Y. 2024. “Ghost city” or habitable city? The production and transformation of space in China's new towns. Cities. Volume 145, February 2024, 104678.

Zamani, A., Shayan, A., & Hassanzadeh, A. (2023). Participation development in responsive city with self-organizing approach (the case of Tehran city). Cities. Volume 143, December 2023, Page 104586.

Zhang, Z., Zhao, L., Zhang, M Exploring non-linear urban vibrancy dynamics in emerging new towns: A case study of the Wuhan metropolitan area. Sustainable Cities and Society Volume 112, 1 October 2024, 105580.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی